

گفت و گو با سه تن از اعضای سازمان معلمان استان ها به مناسبت روز جهانی معلم

به بهانه روز جهانی معلم پای صحبت آنان نشستیم تا از مشکلات و دغدغه‌هایی بگویند که دهه‌هاست بر گُرده‌شان سنگینی می‌کند

روزگار نامهربان معلمی

لیلا مهداد/خبرنگار سخن معلم/ پنجم اکتبر از میان 365 روز تقویم‌ها، تنها به معلمان اختصاص دارد. پنجم اکتبر یا همان روز جهانی معلم. روزی که از سال 1994 با اعلام یونسکو به نام معلمان در تقویم‌ها ثبت شد. یک روز برای گفتن از مشکلات، دغدغه‌ها و شاید قدردانی از آنان. هرچند کشورهای مختلف روزهایی را به بهانه‌های مختلف به معلمان‌شان اختصاص داده‌اند. ایران 12 اردیبهشت را به بهانه شهادت مرتضی مطهری روز معلم نامگذاری کرده است. اما کمی آن‌طرف‌تر افغانستان و آذربایجان همان 15 اکتبر را برای معلمان‌شان جشن می‌گیرند. بنگلادش و ارمنستان اما یک روز جلوتر این جشن را برگزار می‌کنند یعنی 14 اکتبر.

معلم؛ سازنده نسل‌ها که سال‌هاست دغدغه معیشت و فشارهای اقتصادی توان از او برده. زنان و مردانی که هربار از مشکلاتشان گفتند جوابی جز این نشنیدند؛ بودجه نداریم. جمعیتی که بعد از سال‌ها دچار سرخوردگی شده و به این باور رسیده که اهمیتی برای نظام آموزشی ندارد. به اعتقاد آنان سال‌هاست جایگاه اجتماعی‌شان هم متزلزل شده است. معلمان‌ی که بعد از چهاردهه حفظ منزلت اجتماعی و اداری، برخورداری از حقوق و مزایای مکفی را مطالبه دارند. هرچند حمایت‌های بعد از بازنشستگی هم جزو مطالبات حدود یک میلیون نفری است که سر کلاس‌ها حاضر می‌شوند.

مکتب‌خانه‌هایی که صاحب میز و نیمکت شده‌اند

پنج میلیون و هشتصد هزار تومان؛ متوسط حقوق فرهنگیان در سال 99. دریافتی‌ای که به گفته رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه قرار است در 1400 افزایش را از سر بگذرانند. رئیس سازمان مدارس غیردولتی وزارت آموزش و پرورش، حداقل حقوق معلمان تمام‌وقت مدارس غیردولتی

را سه میلیون و هشتصد هزار تومان اعلام کرده. نرخ دریافتی که متعلق به سال 1400 است. هرچند وضعیت حق‌التدریسها متفاوت است. معلمان که دریافتشان از ساعتی 18 هزار تومان تا 23 هزار تومان متغیر است؛ بسته به مدرک تحصیلی.

و اما معلمان مدارس استثنایی که مشمول قانون سختی کار میشوند. البته تا سال 93 حقوق این معلمان حدود 80 تا 100 هزار تومان بیشتر از سایر معلمان بوده است. رقمی که در سال 97 به حدود 160 هزار تومان در ماه افزایش یافت.

یکی از بازرسان سازمان معلمان ایران که در خوزستان شاغل است، مشکلات معیشتی و مشکلات ساختاری آموزش و پرورش را از دردهای قدیمی نظام آموزشی کشور می‌داند. به باور علی ذکوی، معلمان سال‌هاست با محتوای درسی، فضاهای آموزشی و نبود امکانات دست و پنجه نرم می‌کنند. به اعتقاد ذکوی، نظام آموزشی از دو‌یست سال پیش تا به حال تغییری به خود ندیده است. او از مکتب‌خانه‌هایی می‌گوید که حالا جای‌شان را به میز و نیمکت‌ها داده‌اند. او فضای آموزشی را فضایی خشک و بی‌روح توصیف می‌کند. فضای آموزشی که از آزمایشگاه‌های مجهز، زمین‌های ورزشی و ... محروم است. البته به باور او فضای کلاسها توانایی سرزوق آوردن دانش‌آموزان را ندارند.

الگو برداری‌های ابتر و معلمان دلسرد

به گفته ذکوی محتوای کتاب‌ها به تقلید از دهه‌های گذشته بر محور حفظیات استوارند؛ کتاب‌هایی که کمتر عملیاتی‌اند. او محتوای کتاب‌ها را کاربردی نمی‌داند. او کتاب ریاضی را مثال می‌زند: «دانش‌آموز دو و سه ایکس را می‌خواند اما نمی‌داند چه کاربردی خواهد داشت.»

او دلایل این مشکلات را بنیادی می‌بیند. نظام آموزشی در سال‌های گذشته بارها دست به تغییر کتاب‌های درسی و نظام‌های آموزشی زده؛ تغییرات بی‌نتیجه. به اعتقاد ذکوی بی‌نتیجه ماندن این تغییرات، به دلیل نبود یک ساختار تحقیق و بررسی در نظام آموزشی برمی‌گردد. ساختاری که باید نظارت کافی داشته باشد بر استقرار و اجرایی شدن یک نظام. هرچند عیبیابی همان نظام هم باید از وظایف بعدی این ساختار باشد.

به اعتقاد ذکوی هر بار نظام آموزشی پیشنهادی، ناقص اجرایی می‌شود. نقصی که هر بار گنااهش بر دوش سیستمی است که خودش نقص‌هایی دارد. به باور او یکی از ایرادات مان برمی‌گردد به الگوگیری از نظام‌های

آموزشی سایر کشورها. این در حالی است که به این نکته توجه نداریم که آن نظام مختص همان کشور و شرایط آن است. ذکوی می‌گوید: «قرار نیست یک الگوی موفق در همه کشورها موفق عمل کند.» به اعتقاد او ساختار نظارتی هم باید از دستورالعمل قوی‌ای پیروی کند تا موفق ظاهر شود. به باور ذکوی، نظام آموزشی ایران از معلمان باسواد زیادی بهره می‌برد اما توانایی به‌کارگیری همه توانمندی آنها را ندارد. معلمان که بعد از سال‌ها فعالیت در حوزه آموزشی کشور دلسرد می‌شوند. معلمان که به این نتیجه می‌رسند فاصله معناداری با فضای آرمانی وجود دارد.

مطالبات انباشته شده و مسکوت مانده

مطالبات؛ مساله‌ای که هر از چندگاه صدای اعتراض معلمان را بلند می‌کند و نقدهایی هم به خود می‌بیند. هرچند دوباره همه‌چیز در فضایی از ناامیدی و ناکارآمدی به دست فراموشی سپرده می‌شود. مسئول شورای سازمان معلمان خراسان رضوی بر این باور است هیچ نهاد و وزارتخانه‌ای نیست که این حجم از معوقات سازمانی داشته باشد. به اعتقاد او اگر هم تسویه حسابی هم وجود داشته مانند خراسان رضوی از بودجه استانی بوده. مطالبه‌ای که هنوز وجود دارد و روی دوش وزارتخانه سنگینی می‌کند. حسام‌الدین، پورثابت عدم توازن میان حقوق معلمان با سایر وزارتخانه‌ها را مساله بعدی جامعه معلمان می‌داند. به گفته پورثابت معلمان چیزی اضافه از دریافتی سایر وزارتخانه‌ها طلب ندارند. به اعتقاد او معلمان خواهان دیده شدن به اندازه سایر وزارتخانه‌ها هستند؛ به لحاظ مالی و معیشتی.

مطالعات سال‌های گذشته نشان می‌دهد وزارت کشاورزی، سازمان بهداشت و معلمان از حداقل حقوق بهره می‌برند. هرچند در حال حاضر دریافتی معلمان تفاوت فاحشی با آنها یافته و دریافتی‌شان 30 تا 40 درصد پایین‌تر از کارکنان آنهاست. مزایا هم یکی از غایبان فیشهای حقوقی معلمان است. غایبی که می‌توانست در میدان تاختن تورم بار کوچکی از دوش آنان بردارد. به اعتقاد پورثابت در همه این سال‌ها معلمان شاهد بی‌عدالتی بودند.

بحث رتبه‌بندی معلمان هم یکی دیگر از مطالباتی است که هنوز به پاسخ روشنی نرسیده و همیشه به نبوده بودجه ختم شده. معوقات و مطالباتی که گاهی به بهانه تعداد بالای معلمان مسکوت مانده‌اند.

مساله آموزش و پرورش کمبود معلم است یا بالا بودن تعداد معلمان؟!

کمبود معلم در مدارس ایران به 200 هزار نفر در سال تحصیلی 1400-1401 رسید. رقمی که به باور کارشناسان آغازگر بحران بزرگی در دل بزرگترین وزارتخانه کشور است. از سال 97 به طور متوسط 40 هزار معلم بازنشسته شده‌اند. معلمانی که جایگزینی برای آنها در نظام آموزش و پرورش دیده نشد. پیش‌بینی‌ها گواه این مساله‌اند که تا سال 1404 سالی 45 هزار نفر بازنشسته می‌شوند. این در حالی است که در گفتن از مطالبات و معوقات معلمان از نبود بودجه گفته می‌شود. گاهی اوقات هم تعداد بالای معلمان و بالا بودن حجم موعوقات بهانه‌ای می‌شود برای عدم پرداخت‌ها.

به گفته پورثابت اگر نیازی به این تعداد مدرسه نیست، تعداد آن را کم کنند. حدود یک میلیون معلم در سراسر کشور فعالیت می‌کنند. پورثابت می‌گوید: «اگر بنا بر قانون اساسی آموزش رایگان با دویست هزار معلم رفع می‌شود ما مشکلی با آن نداریم.» او ادامه می‌دهد: «معتقدیم در دورترین نقاط هم باید معلم داشت. اما از طرفی بهانه می‌آوریم به دلیل زیاد بودن قادر به پرداخت حق و حقوقشان نیستیم.» به باور پورثابت ادامه‌دار بود مسائل و مشکلات معلمان برمی‌گردد به اولویت نبودن نظام آموزشی کشور در همه دولت‌ها و دوره‌ها.

او ادامه می‌دهد: «شاید دست‌های پشت پرده‌ای هستند که نمی‌خواهند این مشکلات حل شوند. شاید خواسته دولت و مجلس رفع این مشکلات بوده در سال‌های متمادی اما دست‌های پنهان نمی‌خواهد نظام آموزشی به وضعیت مطلوب برسد.»

دستاوردهای نظامی که تکیه بر موفقیت‌های اتفاقی دارد

رئیس دولت سیزدهم هم در حوزه مشکلات جامعه معلمان بر این باور است این مشکلات باید برای همیشه حل شوند. پورثابت هم راهکار برون‌رفت از مشکلات را همین می‌داند. او می‌گوید: «یکبار برای همیشه باید دولت یا هر نهاد تصمیم‌گیر باید تصمیم یکپارچه بگیرد. تصمیمی بر حل این مشکلات.» به اعتقاد پورثابت در وهله اول باید مشکلات معیشتی معلمان حل شود و در مراحل بعد به بالا بردن کارایی اندیشید. همیشه در گفتن از نظام آموزشی و دغدغه‌های این حوزه، نوک پیکان انتقادات به معلمان است. معلمانی که از آنها انتظار می‌رود بازدهی کلاسها را با دست خالی بالا ببرند. به باور پورثابت چه میزان فضا و امکانات سخت‌افزاری مهیاست؟ چه آموزش‌هایی به معلمان در این حوزه داده شده تا انتظار داشته باشیم معلم خروجی بالایی از کلاسها داشته باشند.

به باور او متر و معیاری برای سنجش کارکرد معلمان بعد از سالها وجود ندارد. هرچند معلمان هم انگیزه‌ای برای ارتقا خود نمی‌بینند. «سیستم ارزشیابی و ارزیابی در نظام آموزش و پرورش مناسب نیست و در برگه‌ای خلاصه می‌شود که خیلی روشن نیست.» به باور پورثابت خروجی آموزش و پرورش نقطه‌ای است، یعنی فرایندی نیست که به نتیجه‌ای روشن برسد. به اعتقاد او اگر موفقیتی هم در این حوزه کسب شده؛ موفقیت‌های اتفاقی بوده‌اند. موفقیت‌های اتفاقی که برحسب استعداد فردی یا گروه خاصی بوده است.

درد قدیمی نظام آموزشی؛ محتوای درسی که پاسخگوی نیاز نسل جدید نیست

دریافتی معلمان؛ مبلغ ماهانه‌ای که در همه این سالها حریف تورم نشده است. هرچند در سالهای اخیر با پیشی گرفتن تورم این حقوق ماهانه جا مانده تا روزگار بر معلمان سخت‌تر بگذرد. دریافتی‌هایی که هیچ تناسبی با تورم نداشته و ندارد. یکی از معلمان بازنشسته خراسان شمالی از متولیان این سوال را دارد؛ چرا همیشه پایین‌ترین حقوق به معلمان تعلق می‌گیرد؟ مرضیه ناصری سوال می‌کند؛ چرا باید حداقل بودجه سهم وزارت آموزش و پرورش باشد؟ هرچند به باور او تبعیضها هم مشکل دیگری است که معلمان متحمل می‌شوند. چه تبعیضهایی که در خود سازمان وجود دارد چه بیرون از سازمان. به اعتقاد ناصری گاهی اوقات این تبعیضها همکاران را رودرروی هم قرار می‌دهد.

این معلم بازنشسته مشکل بعدی نظام آموزشی را متعلق به محتواهای درسی می‌داند. محتواهایی که با نیازها و سوالات نسل جدید همخوانی ندارد و در پاسخ به سوالات و نیاز آنها ناتوان است. هرچند مافیای کنکور هم درد دیگری است بر پیکره نظام آموزش و پرورش. به اعتقاد ناصری باید بازنگری در محتواهای درسی و شان معلمان صورت بگیرد. «متأسفانه نگاه نامهربانی نسبت به معلم و معیشتش وجود دارد.»

اگر نظام آموزشی کشور را هرمی تصور کنیم به باور ناصری شان معلم در نوک این هرم قرار دارد. شان معلم چه از نظر روحی، چه مالی. چرا باید قوانین اداری برای معلمان حالت تحکمی داشته باشد؟ سوالی که ناصری آن را مطرح می‌کند. تحکمی که تجربه ثابت کرده هیچ‌گاه به نتیجه مثبت نرسیده است.

او حفظ شان دانش‌آموز را هم مهم می‌داند. ناصری از بازگشایی مدارس

با رعایت پروتکل‌ها می‌گویید هرچند یک سوال مطرح است در کدام فضای مناسب؟ در کلاس‌های درسی 30 متری با 30 دانش‌آموز چطور می‌توان فاصله دومتري را رعایت کرد؟ به باور او آموزش ایران از کاستی‌هایی رنج می‌برد؛ کاستی در محتوا های درسی و مسائل معیشتی معلمان.